

هشدار بآنها که با



آلودگان در تماسند



است و تا هنگام فرارسیدن مرگ باید بصورتی انجام پذیرد که بشر هر لحظه نسبت به لحظه پیش برتر باشد ، و در حد تکرار و یا سقوط قرار نگیرد، و با توجه ب کوتاهی زندگی مهم آن است که از این هستی کوتاه بتواند برای زندگی جهان ابدي سرمايه شايسته ای بدست آورد ، و بی شك در ازای احراز تسلط بر هوسهای مخرب و عدم تسلیم در برابر خواهشهای منحرف بهائی پر ارزش دریافت خواهد داشت .

اسلام میخواهد با اندیشیدن در مورد معاشرت و انتخاب هم نشین ؛ رنگی از دقت و نظم بعقل انسان ببخشد و او را با نضباط در کارها و تصمیمات عادت دهد، و از سوی دیگر توجهش را بفضیلت حقیقی از این راه جلب نموده تا از عمق وجدان بآن متقدم شود، و دائماً مراحل عالیتر حقیقت را درك کرده و باوج کمال انسانیت برسد ،

بطور کلی برای انسان دو امکان وجود دارد : یکی اینکه تسلیم محض قوای طبیعی و جسمانی گردیده ، روح را با سارت مطلق غرائز و هوسها در آورد ، و یا اینکه به ندا و خواهشهای آسمانی روح، پاسخ مثبت داده و به قسمت های عالی آن گرایش عمیق پیدا کند، و اهمیت گوهر گرانبهائی را که باو اعطا شده است بخوبی درك نماید .

انسان در میان دو قطب مخالف یعنی فضائل و رذائل دائماً در کشمکش است؛ و باید به رسالت عظیمی که در این آشوب درونی دارد توجه کامل نموده و خود را آنچنانکه شایسته انسان است، انتخاب کند، و برای بخشیدن جنبه اصالت بزنگی، در مسیرها و راههائی گام بردارد که مطمئن ترین وسیله رسیدن به هدف و آرمان بلند انسانی است ، این انتخاب امری بی درپی و مداوم

«الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنِ
يُخَالِلُ» انسان از روش و سیره دوست خود عملاً
پیروی میکند هر يك از شما در انتخاب دوست با پلذت
كافی میذول دارد و درباره کسیکه میخواهد با او طرح
رفاقت بریزد، قبل مطالعه کند (۱).

علی (ع) طی جمله ای توصیه مینماید که بملت خود -
پذیری نفس باید هر کس مراقب باشد تا از
تماس با افراد فاسد خودداری و احتراز جوید :
«لَا تَصْحَبِ الشَّرَّ يُرْفَأَ طَبْعَكَ بِسُوءِ مَنْ طَبِعَهُ
شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ» از معاشرت با مردم فاسد پرهیز
زیرا طبیعت تو ناخود آگاه ، انحراف و ناپاکی را از
طبع آنها سرقت میکند (۲).

«دکتر کارل» دانشمند شهیر فرانسوی میگوید :
«تا حد زیادی شدت و کیفیت ظواهرات نفسانی هر فرد
را محیط روانی وی تعیین میکند، اگر این محیط خیلی
فقیر باشد، هوش و حس اخلاق در آن رشد نمی یابد ،
و اگر بد باشد این فعالیتها معیوب میماند . ما در محیط
اجتماعی خودمانند سلولها در محیط داخلی بدن غوطه وریم
و همچون سلولها نمیتوانیم از نفوذ شرائط محیط در
امان بمانیم، کالبد آدمی در برابر دنیای مادی خود را
بهرتزاز شعور در مقابل دنیای روانی حفظ میکند ، زیرا
جسم بر ضد هجوم عوامل زیانبخش فیزیکی و شیمیایی
محیط بحصار پوست و مخاط روده ها مجهز است ؛ ولی
مرزهای شعوری بر عکس همیشه گشوده اند و روان
آدمی در معرض تهاجم دائمی همه قسم عوامل فکری

کمالی که ارزش آن با معیارهای مادی قابل سنجش
نیست، به اسلام پیشرفت و ارتقاء برونی و درونی را
هر دو با نشان نشان میدهد و این دیگر وظیفه او است که
در طرز تفکر و اندیشه و طریق عمل و انتخاب روش از
آن استفاده کند .

مصاحبت با پاکانیکه پای بند ملاحظات اخلاقی و
انسانی هستند، فرصت و موقعیت مناسبی برای تغذیه
قوای روحی انسان است، فکرها در سایه افکار بلندشان
وسعت و گسترش می یابد ، و علاقه به نیکی و پاکی در
مغز آدمی رشد میکند ، در اثر تماس با آنها ، شخص ،
به نقائص روحی خویش بیشتر پی میرد ، و صلاحیت
خود را با مردان لایق و با کفایت می سنجد، از راه همین
مقایسه ممکن است رفته رفته از زیر نفوذ تاثیر سیئات
وصفات ناپسندشانه خالی کرده، و از مخفی ترین اعماق
روحش روشنائی و بصیرت کسب کند .

توجه بخصوصیات روحی معاشرین انسان: مسئله ای
نیست که تنها در روانشناسی جدید مورد ارزیابی و دقت
قرار گرفته باشد ، بلکه لزوم شناسائی روحیات
افرادیکه آدمی میخواهد بعنوان دوست برگزیند و با
آنها پیوند صمیمیت برقرار سازد از قرنهای پیش در آثار
و روایات مذهبی و فراوانی و روشنی ملاحظه میشود ،
و روانشناسی جدید تنها میتواند بانهایت احترام آن
دستورات عمیق را ارج نهد، و راهنمائیهای سودبخش
و پرثمری که در این خصوص شده، تکرار نماید .
پیامبر اسلام «ص» با بیانی جذاب و رسامی فرماید :

(۱) مستدرک ج ۲ ص ۶۲ .

(۲) ج ۲۰ نهج البلاغه ابن ابی الحدید ص ۲۷۲ .

خویش جلب نماید قطعی است که در بسیاری از موارد سخن وی بی اثر نخواهد بود و حتی گاهی نتیجه مثبت و تحول انگیزی در برخواهد داشت زیرا ممکن است انتهای این پیداری به تلاش وی در راه کسب مقام انسانیت واقعی و پاکی و دستگیری در اوج کمال منجر گردد، و از همین راه است که واقعا شرف و حیثیت حقیقی باو بخشیده و حق مصاحبت را بشایسته ترین وجهی ادا کرده است.

امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يُكْرَهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَقَدْ خَانَهُ»؛ شخصی که ببیند دوستش در راه خطا و عصیان گام برمیدارد و بتواند او را از زیانکاری باز دارد ولی در عین حال از خود بی تفاوتی نشان دهد، در حق او خیانت درو داشته است» (۲).

یکی از زیان بخش ترین معاشرت‌ها تماس با افراد نادان و بیخرد است که به عقب افتادگی و چه بسا به بدبختی انسان خواهد انجامید، گاهی خطر و زیان بد فرجام و دردناکی که از ناحیه دوست نادان دامنگیر آدمی میشود، از خطر يك دشمن افزون است، جه بعلت اعتماد و توجه خاص نسبت بدوست کمتر آمادگی دفاع از خویشش دارد، و باسانی ممکن است غافلگیر گردیده و هنگامی بیدار شود که دیگر راه بازگشت برویش مسدود باشد، در حالیکه انسان در برابر دشمن برای روپوشدن باخطر احتمالی حالت دفاعی بخود میگیرد و در حال آماده باش است، تشخیص نادرست و کشتاندن

و معنوی محیط اجتماعی خود قرار میگیرد و بر حسب طبیعت آنها سالم یا معیوب بار میآید.

رویه هر فته پرورش فکر آسان است ولی در مورد فعالیت های اخلاقی و مذهبی چنین نیست، تأثیر محیط اجتماعی بر روی اینها بیشتر و دقیق تر است. دفاع آدمی از خود در برابر چنین محیط روانی تقریباً غیر ممکن است، همه بلاشك تحت تأثیر افرادی که با آنان بسر میبرند، قرار میگیرند، اگر از کودکی معاشر با جنایتکاران و نادانان شود، در آینده خود نیز جانی یا نادان بیار خواهد آمد (۱).

باید توجه داشت اگر هدف از تماس با آلودگان ارشاد و دستگیری آنها از پرتگاه سقوط و بدبختی باشد، بسیار پسندیده و قابل ستایش است، اسلام این روش را تصویب میکند که از راه تماس با کسانی که از مرزهای اخلاق و فضیلت تجاوز کرده اند، بارانهای سودمند موجبات نجاتشان را فراهم سازند، البته اینکار باید با شیوه خاصی دنبال شود، چه خورده گیری جز بصورت خفیف در چنین مواردی نتیجه مطلوب بیار نخواهد آورد، از قدیم گفته اند نصیحت تلخ است این يك واقعیت مسلمی است ولی هر گاه ناصح مشفق با ملایمت و نرمی زبان نصیحت گشوده و بصورت رضایت بخشی روی نقاط ضعف و نارسائی اخلاقی مخاطب خود انگشت بگذارد، و دوستانه باو اعلام کند و بفهماند راهی که در پیش گرفته جز نابودی و شقاوت پایانی ندارد و در عین حال اعتماد و اطمینان او را به بی نظری

(۱) انسان موجود ناشناخته ص ۱۶۴ - ۱۶۲ - ۱۶۱.

(۲) بحار ج ۱۵ کتاب العشرة ص ۵۲.

هرگز نمیتوان بگفتارش اعتماد و اطمینان نمود» (۱) .
 فکر خام و ناقص و عدم توجه بعاقبت کار شخص
 را به آلودگی و سرانجام به بدبختی دچار خواهد ساخت
 بفروانی دیده شده است کسانی که در برابر دعوت دوستان
 نااهل خود که میکوشند آنها را همرنگ خود سازند ،
 حالت انعطاف پذیری خاصی پیدا میکنند ، و با شرکت
 در مجالس گناه آلوده شان سعادت خویش را لکه دار
 ساخته و بگرداب تباهی میافتند . ممکن است این واقعیت
 را درک کنند که مصاحبت با پاک سیرتانیان در تماس با
 فرومایگان باید ترجیح داد، ولی یمنا کند که به تعصب
 و بی همتی متهم شوند، بدین سبب برای رد این اتهام
 در برابر اصرار و تقاضای دوستان تبهکاری هیچ مقاومتی
 تسلیم و پیروی و تبعیت از آنها را گردن مینهند ، و بالاخره
 بر روی تخته سنگ خجالت می نهند و با عمق دره پستی
 و فساد اخلاق سرنگون میشوند ، ولی روزی باشتابه
 جبران ناپذیر و این لجام گسیختگی بدون تعقل که
 صرفاً جنبه تقلیدی داشته و عاری از دورانیشی بوده
 است، بی خواهند برد اما افسوس که این بیداری
 هنگامی صورت میگیرد که مراحل قابل توجهی
 از عمر پشت سر گذاشته، خود را در سیاهکاری تباہ
 کرده اند و چه بسا حالت غفلت و خوابزدگی تا پایان
 زندگی امتداد یابد و بحسرت ابدی منتهی گردد .
 قرآن کریم از زبان حسرت زده تبهکار و گمراه
 در روز رستاخیز چنین یاد میکند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي
 لَمَّا آتَوْتُ فُلَانًا خَلِيلًا» وای بر من اینکاش فلان
 شخص آلوده و ناپاک را بدوستی انتخاب نکرده بودم (۳)

دوست بر اهای غلط امکان دارناشی از علاقه بخلمت و
 خیر خواهی باشد، اما بسیار اتفاق افتاده که اتخاذ تصمیم
 و روشی را توصیه میکند که موجب رنجها و سرگشتگی-
 های دوستان خود میگردد، بدین لحاظ تنها علاقه و مصمیمیت
 و وفاداری در روابط دو جانبه برای برگزیدن اشخاص
 بدوستی کافی نیست ، بلکه کیفیت و شناخت میزان
 خردمندی طرف باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد،
 بی شک آنهایی که از جلب مودت ابلهان بیزارند، باید
 در ردیف خردمندان با تدبیر بشمار آورد .

علی (ع) فرمود: «لَا تَصْحَبَنَّ مَنْ لَأَعْقَلُ لَهُ»:

هرگز مردان بی خرد را بدوستی انتخاب مکن» (۱) .

امام باقر (ع) عناصر نامطلوبی را که شایسته ولایتی

معاشرت نیستند، بدینسان معرفی کرده، و نتایج زیانبار

اینگونه تماسهای نامتناسب را گوشزد میفرماید:

«لَا تَقَارِبُوا تَوَاحُشَ اِرْبَعَةٍ، اِلْحَمَقُ وَالبَخِيلُ وَالجَبَانُ

وَالكَذَابُ، اَمَّا اِلْحَمَقُ فَانْهَ بَرِيدٌ اِنْ يَنْفَعُكَ فَيَضُرُّكَ وَاَمَّا

البَخِيلُ فَانْهَ تَأْخُذُ مِنْكَ وَاَلْبَطِيْخُ وَاَمَّا الْجَبَانُ فَانْهَ يَهْرَبُ

عَنْكَ وَعَنْ وَاَلدِيْهَوُ اَمَّا الْكُذَابُ فَانْهَ يَصْدُقُ وَاَلْبَصْدُقُ» دوستان

خود را هیچگاه از میان این گروه انتخاب مکن: بی خرد

بخیل، ترسو، دروغگو، زیرا احمق بی خرد در عین

حال که حسن نیست دارنا آگاه بجای سودزبان میرساند،

آنکه بخیل است کارش «دوشیدن» از تو است در

حالی که خود «نم» پس نمیدهد، ترسو هنگام احتمال

کمترین خطری «جاخلی» میکند و نه نهاد دوست بلکه

حتی پدر و مادر خود را نیز رها خواهد کرد، اما دروغگو

چه بسا بر استی سخنی بر زبان جاری سازد ولی

(۱) غرر الحکم ص ۸۰۰ .

(۲) بحار ج ۱۵ کتاب العشره ص ۵۲ .

(۳) سورة فرقان آیه ۲۸ .